

معیار دوستی و دشمنی در سیره اولیای الهی

دوستی و دشمنی انسان‌ها بر اساس چیزهایی است که برای آنان محبوب و دارای اهمیت است. از آنجا که خداوند متعال و خواسته‌های او - که در احکام اسلام متبلور است - نزد مؤمنان محبوب‌تر و بالاتر از هر چیزی است، با دوستان خدا دوست و با دشمنان خدا دشمن‌اند.

اما نزد اهل دنیا، محبوب‌تر از هر چیزی دنیا و منافع مادی آن است. از این رو هر کس در خدمت دنیای آنان باشد، او را دوست دارند و با هر کس که منافع آنان را به خطر بیندازند، دشمن‌اند.^۱

برای اهل ایمان آن چیزی دارای اهمیت است که برای خدا باشد؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تَبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ
تُعْطِيَ فِي اللَّهِ وَ تَمْنَعَ فِي اللَّهِ؛^۲

۱. الکافی: ج ۲، ص ۱۲۷ - ۱۲۶.

۲. همان: ج ۲، ص ۱۲۵.

از محکم‌ترین دست‌آویزهای ایمان این است که برای خدا دوست
بداری و برای خدا دشمن بداری و برای خدا عطا کنی و برای خدا
دریغ ورزی.

پیامبران الهی به عنوان الگوهای کامل برای بشریت، از این ویژگی برخوردار
بودند؛ خداوند متعال در وصف پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

﴿مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ
بَيْنَهُمْ﴾^۱

محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار
سرسخت و شدید، و در میان خود مهربان‌اند.

و درباره حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا
لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا
بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾^۲

مسلماً برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی
نیکوست، آن‌گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای
خدا می‌پرستید بیزاریم، ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و

۱. فتح: ۲۹.

۲. ممتحنه: ۴.

کینه همیشگی پدیدار شده است، تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید.

اولیای الهی هرگز با افراد کافر، فاسق و ستمگر دوستی نمی‌کردند و با کسانی که به حقوق انسان‌ها تجاوز می‌کردند، در مبارزه بودند. مبارزه پیامبران و ائمه علیهم‌السلام با ستمگران زمانشان از همین باب بوده است. از این‌رو، اختلاف و جنگ اگر برای خدا باشد، مقدس است و چنین نبرد و جهادی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مأمور است تا مؤمنان را به آن تشویق نماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ﴾^۱

ای پیامبر، مؤمنان را بر پیکار [با کفار] تشویق کن.

اما کسانی که هم موافق اهل ایمان‌اند و هم با فاسق و ستمگر سازش می‌کنند و برخوردارشان با آنان همانند رفتارشان با مؤمنان است، بر خلاف سیره اولیای الهی رفتار کرده و از منطق کسانی پیروی می‌کنند که می‌گویند: چنان با خوب و بد تا کن که بعد از مردنت عرفی مسلمانان به زمزم شوید و هندو بسوزاند امام صادق علیه‌السلام این افراد را جزء دین‌داران نمی‌دانند:

كُلُّ مَنْ لَمْ يَحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ^۲

هرکس که دوستی و دشمنی او بر اساس دین نباشد، دین ندارد.

نقش حب و بغض در ایمان به‌گونه‌ای است که وقتی فضیل بن یسار از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرد که آیا حب و بغض، با ایمان مرتبط است؟ فرمود:

۱. انفال: ۶۵.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۱۲۷.

و هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ؛^۱

سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمودند:

«حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ

وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»^۲

خدا ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دل‌هایتان بیاراست، و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت، اینان [که دارای این ویژگی‌ها هستند] هدایت یافته‌اند.

امام سجاد علیه السلام تجلی آثار حب فی‌الله و بغض فی‌الله در قیامت را چنین بیان می‌فرماید:

إِذَا جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ قَامَ مُنَادٍ فَنَادَى يُسْمِعُ
النَّاسَ فَيَقُولُ: أَيْنَ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ؟ قَالَ: فَيَقُومُ عُنُقُ مِنَ النَّاسِ،
فَيَقَالُ لَهُمْ: اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ قَالَ: فَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ
فَيَقُولُونَ: إِلَى أَيْنَ؟ فَيَقُولُونَ: إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ. قَالَ فَيَقُولُونَ:
فَأَيُّ ضَرْبٍ أَنْتُمْ مِنَ النَّاسِ؟ فَيَقُولُونَ: نَحْنُ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ.
قَالَ فَيَقُولُونَ: وَ أَى شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟ قَالُوا: كُنَّا نَحِبُّ فِي اللَّهِ
وَنُبْغِضُ فِي اللَّهِ. قَالَ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛^۳

۱. همان: ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. حجرات: ۷.

۳. الکافی: ج ۲، ص ۱۲۶.

هنگامی که خداوند گذشتگان و آیندگان را جمع کند، منادی در بین مردم فریاد می‌زند: کجا هستند کسانی که برای رضای خداوند با هم دوست می‌شدند و به هم اظهار علاقه می‌کردند؟

در این هنگام گروهی از جای خود بلند می‌شوند، به آن‌ها گفته می‌شود وارد بهشت گردید و شما حساب و کتابی ندارید. فرشتگان با آنها روبه‌رو می‌شوند و می‌گویند: کجا می‌روید؟ پاسخ می‌دهند: ما مجاز هستیم بدون حساب به طرف بهشت برویم و در آنجا اقامت کنیم.

فرشتگان از آن‌ها سؤال می‌کنند: شما از کدام دسته هستید؟ می‌گویند: ما کسانی هستیم که برای رضایت خداوند با هم دوست می‌شدیم و برای او دشمنی می‌کردیم. فرشتگان می‌گویند: بروید و از پاداش نیکوکاران استفاده کنید و این پاداش‌ها بر شما گوارا باد.

امام صادق علیه السلام نیز جایگاه اینان در قیامت را چنین ترسیم می‌فرماید:

إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ قَدْ أَضَاءَ نُورٌ
وَجُوهِهِمْ وَ نُورٌ أَجْسَادِهِمْ وَ نُورٌ مَنَابِرِهِمْ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى يُعْرَفُوا
بِهِ فَيَقَالُ: هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ؛^۱

آنان که در راه خدا به یکدیگر مهر بورزند در روز رستاخیز بر منبرهایی از نور خواهند بود که پرتو رخسار و پیکرها و منبرهایشان همه چیز را فرا گیرد تا به واسطه آن شناخته شوند که اینان در راه خدا به یکدیگر مهر می‌ورزیده‌اند.